



فصل سوم در باره خوانند

دکتر محمدعلی شامانی

کلیدواژه‌ها: برابری، حق، قانون.

اشاره

یکی از نیازهای اولیه‌ی انسان‌ها «امنیت» است. «قانون» چتر امنیت برای همه‌ی مردم جامعه است. آشنایی ما با حقوق فردی و اجتماعی، عامل بسیار مهمی برای جلوگیری از تنش‌ها به شمار می‌رود. امید است با تأمل در نوشته‌ی زیر، همه در برابر قانون متواضع و تسلیم باشیم.

بازخوانی فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، به صراحت از حقوق مربوط به امنیت فردی و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندی سخن به میان آورده است. و البته پیش از آن در فصل اول، بند چهاردهم، اصل سوم چنین آورده است: «تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون»، از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران شمرده شده و دولت موظف شده است برای نیل به آن اهداف - هدف‌های اصل سوم - همه‌ی امکانات خود را به کار برد. فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - با تبیین حقوق ملت - راه را بر هرگونه استبداد و خودکامگی بسته و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و حقوق شهروندی را در حدود قانون تأکید کرده است.

● همه‌ی مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند (اصل نوزدهم). «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد، زبان و مانند این‌ها، سبب امتیاز نخواهد بود.»

این اصل چنان روشن و واضح است که راه را بر هر دریافت ناروایی بسته است.

● همه‌ی مردم در حمایت قانون قرار دارند (اصل بیستم). «همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

به نقطه‌ی تأکید این اصل و اصل پیشین توجه کنید: ... از هر قوم و قبیله ... همه‌ی افراد ... هیچ استثنایی پذیرفته نیست.

● دادخواهی حق مسلم هر فرد است (اصل سی و چهارم).

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی، به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه‌ی افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.»

هر کس می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و با طرح دادخواست، حق یا تکلیفی را بخواهد. حق مراجعه به دادگاه و طرح شکایت، از حقوق طبیعی هر فردی است.

● حکم به مجازات و اجرا فقط به موجب قانون است (اصل سی و ششم).

«حکم به مجازات و اجرای آن، باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

● هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است (اصل سی و هفتم).

«هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی، فاقد ارزش و اعتبار است.» در پایان، این اصل متخلف را مستحق کیفر می‌داند: «متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.»

وظیفه‌ی اصلی دادگاه‌ها، احقاق حق و رفع ظلم است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با درک درست از حقوق ملت، برای پرهیز از هرگونه انحراف در مسیر اجرای عدالت، اصل علنی بودن دادگاه‌ها را نیز مورد توجه قرار داده است (اصل یکصد و شصت و پنجم).

«محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آن‌که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

واضح است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با دقت تام و تمام، حقوق ملت را مورد توجه قرار داده است.

به نظر می‌رسد ما بیشتر از همیشه نیازمند آشنایی با قانون هستیم. فصل سوم قانون اساسی را دوباره مطالعه کنیم.



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با دقت تام و تمام، حقوق ملت را مورد توجه قرار داده است